



نفس عمیق-۱۳۸۰- برویز شهبازی
آیسا (مریم بالیزیان)؛ بین من به سیستمی دارم تو زندگیم به اسم راه‌پیمایی‌های طولانی‌مدت. ماشین جوری شروع می‌کنم راه میرم، راه میرم، اصلا حرکتمو قطع نمی‌کنم، ماشینا بوق می‌زنن، مردم بهم متک می‌کن، ماشین میاد از روم رد می‌شه، برف میاد بارون میاد، ولی من همچنان به راه رفتن ادامه می‌دم. الانم اکه سوار شدم، به خاطر این بود که خیلی خیس شده بودم. حوصله راه‌رفتن دیگه نداشتم، خسته شده بودم. بعد به خاطر اینم هیچی نمی‌شنوم و برای اینکه تو گوشم موسیقیه. بعد، تمام‌مدت دارم موسیقی گوش می‌دم.

● **ترمیم و احیای قنوات قدیمی و سرمایه‌گذاری مستمر و اصلاح بهینه و علمی از منابع آب‌های زیرزمینی نقش مهمی در توسعه کشاورزی، اشتغال و محرومیت‌زدایی شهرستان قصر قند ایفا نموده است.**



● **ترمیم و احیای قنوات قدیمی و سرمایه‌گذاری مستمر و اصلاح بهینه و علمی از منابع آب‌های زیرزمینی نقش مهمی در توسعه کشاورزی، اشتغال و محرومیت‌زدایی شهرستان قصر قند ایفا نموده است.**

● **عکس: محمدمهدی ورال، ایرنا**

دغدغه یک آموزگار

خشونت در مدرسه



محمدرضانیک نژاد

معلمی که دانش‌آموزش را به باد کتک گرفته؛ دانش‌آموزانی که با مستخره‌بازی معلم‌شان را می‌آزارند؛ و پدر یا پدربزرگی که جلوی چشمان حیرت‌زده دانش‌آموزان دبستانی، ناظم مدرسه را با ناسزاگویی به‌شدت می‌نوازد؛ این سه تصویر، آشکارا خشونت در مدرسه‌های ما در هفته‌های گذشته را هویدا می‌کند؛ اما آیا در محیط‌های آموزشی تا این اندازه خشونت وجود دارد؟ ریشه این خشونت کجاست؟ و چگونه می‌توان با این خشونت روبه‌رو شد؟

۱- نخست آنکه مدرسه جدای از جامعه نیست؛ آن هم جامعه‌ای درگیر با انواع خشونت‌های فیزیکی و غیرفیزیکی! برای نمونه در چند روز گذشته در رسانه‌ها آمده بود که: «بنابر اعلام پزشکی قانونی که مرجع این اطلاعات در کشور است، سال ۱۴۰۰، دودهم درصد بیشتر از سال گذشته‌اش مصدوم نزاع دانش‌تاهیم و در مجموع حدود ۶۰۰ هزار نفر به این دلیل، به مراکز این سازمان مراجعه کرده‌اند که حدود ۴۰۰ هزار نفرشان مرد بوده‌اند.» مگر می‌شود مدرسه را تاقلته جداباقته از جامعه دانست؟! معلم و دانش‌آموز و پدر و مادر در این جامعه خشونت‌زده زندگی می‌کنند و از جامعه اثر می‌پذیرند و بر سر اثر می‌گذارند؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که خشونت در مدرسه بیشتر از جامعه نیست و چه بسا کمتر است! ما بیش از ۱۱۰هزار مدرسه، نزدیک یک میلیون معلم و بیش از ۱۴ میلیون دانش‌آموز داریم. با این گستره جمعیتی و البته بده‌بستان‌های طبیعی میان مدرسه و جامعه آیا در مدرسه‌ها گریزی از خشونت داریم؟ به‌راستی نسبت این خشونت‌ها در این گستره جمعیتی چقدر است؟ به نظر نگارنده بسیار پایین؛ با این حال حتما باید برای همین حد هم چاره‌اندیشی کرد و اگر در پی کاهش خشونت در مدرسه‌ها هستیم، نیاز به تصمیم‌گیری‌هایی‌فرا از مدرسه داریم. ۲- خشونت ریشه‌های گوناگونی دارد و از مهم‌ترین آنها شرایط حاکم بر جامعه است. تجربه‌های ملی و جهانی نشان می‌دهد که در جامعه‌های دچار بحران‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و… خشونت گسترش می‌یابد. در جامعه‌ای که در چند سال گذشته امنیت اقتصادی شهروندان به کم‌ترین حد ممکن رسیده و «بقا» اولویت شهروندان شده است، بروز و گسترش انواع خشونت چندان شگفت‌آور نیست! موج بی‌دری افرایش قیمت‌ها و کوچک‌ترشدن ساعدت به ساعت زندگی‌ها و سفره‌ها فشار بر خانواده‌ها را افزایش، سطح تحمل را کاهش و بروز خشونت را گریزناپذیر می‌کند. از سویی این فشارها در خانه به فرزندان منتقل شده و آنان را در برابر سخنان و رفتارهایی که مورد پسند آنان نیست، کم‌توان و کم‌تحمل کرده است. از دیگر سو مدرسه یکی از کم‌شمار جاهایی است که بچه‌ها می‌توانند به شکل جمعی بیجانان خود را تخلیه و تا اندازه‌ای به آرامش برسند؛ غافل از اینکه معلم نیز شهروند این جامعه است و تحت انواع فشارها، این شرایط سطح بر خورد و اصطکاک را افزایش داده و همه را در آستانه اعمال خشونت قرار می‌دهد؛ بنابراین باز هم این جامعه بوده که خشونت را به مدرسه تحمیل کرده است. ۳-

اما نکته پایانی آنکه در چند ماه گذشته شاهد اعتراض‌های گسترده فرهنگیان بودیم. این اعتراض‌ها که ریشه‌هایی کاملا صنفی دارند و دست بر قضا با همدلی‌های گسترده‌ای در فضای عمومی و حتی در بخش‌هایی از سیستم روبه‌رو شده، در برخی رسانه‌های دولتی مورد حمله قرار گرفته است. این رسانه‌ها به جای پرداختن به ریشه‌های اصلی اعتراض‌ها و پیگیری خواسته‌های مشروع و قانونی فرهنگیان، در حرکتی شگفت‌آور با انگ‌های گوناگون ازجمله ارتباط با یگانگان قصد پاک‌کردن صورت‌هایشان را دارند. در شرایطی که شاهد بازداشت کتکشگران صنفی در کشور بوده‌ایم، انتشار بی‌دری و گسترده چنین فیلم‌هایی شهنه‌ناک و پرش‌برانگیز است. با همه نامهربانی‌های این چنینی در بهبود معیشت و منزلت فرهنگیان همچنان آموزش در کشور پیش می‌رود. از دیگر سو همچنان که اشاره شد با توجه به گستردگی جمعیتی-جغرافیایی مدرسه‌ها خشونت در مدرسه حتی به لحاظ آماری کمتر از سطح جامعه است و در این شرایط انتشار گسترده و تا اندازه‌ای هدایت‌شده چنین فیلم‌هایی آسیب‌های جبران‌ناپذیری به جایگاه آموزش و در نتیجه فرایند فریختگی جامعه وارد می‌کند. شاید زمان آن باشد که با فضای آموزشی کشور اخلاقی‌تر برخورد کرده و گرفتاری‌های آن را به شکل کاملا حرفه‌ای و صنفی ببینیم و در راستای رفع آنها فراجتایی و فراسیاسی عمل کنیم. آموزش فرایندی است که فرزندان همه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بهتر است برای نگهدانی از حریم ورجاوند آن دست از بد اخلاقی‌های این چنینی برداریم.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
● صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲
● تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰
● نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
● تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
● توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴
● چاپ: مصیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۱
● ۱۲ شوال ۱۴۴۳
● ۱۴ می ۲۰۲۲
● سال نوزدهم
● شماره ۴۲۷۷
● صفحه ۱۲
اذان ظهر تهران ۲۰:۲۲
● اذان مغرب ۲۰:۲۲
اذان صبح فردا ۴:۲۱
● طلوع آفتاب ۵:۵۹

خانه تئاتر عذرخواهی نکرد

مدت‌هاست مباحث آزار زنان در شبکه‌های اجتماعی مطرح شده است. یکی از دختران مورد آزار قرار گرفته از مراجعه خود در سال ۹۴ به خانه تئاتر نوشت. ۱۴ نفر از زنان آسیب‌دیده به خانه تئاتر مراجعه کردند و برای این فرد در این نهاد پرونده تشکیل دادند و در نهایت فرد متعرض از سوی شورای دآوری این نهاد صنفی به دو سال محرومیت از کار محکوم شده است. هرچند نکته‌ای که برای بسیاری جای سؤال دارد، این است که کمترکسی، چه آن زمان و چه پس از آن، از این حکم مطلع شده و این عدم رسانه‌ای‌شدن و به نوعی رازداری خانه تئاتر سبب شده است تا این فرد به فعالیت‌های متعرضانه و آزارگری خود ادامه دهد و زنان دیگری نیز دچار آسیب شوند. همان موقع با خانه تئاتر تماس گرفتیم، اما پاسخ‌گویی را به انتشار بیانیه موکول کردند؛ حتی درخواست شد صحبتی را که با یکی از اعضای شورای دآوری داشتیم، منتشر نکنند. هیئت‌مدیره خانه تئاتر بیانیه خود را در روز تعطیل منتشر کردند؛ بیانیه‌ای که پس از خواندن آن، پسر از ناامیدی می‌شویم و آرزو می‌کنیم کاش ساختارها تغییر کند و مسئولان هر نهادی معذرت‌خواهی را یاد بگیرند و بپذیرند رفتار و نادانسته‌هایشان به دیگری آسیب زده است. کاش بپذیرند عدم رسانه‌ای‌کردن و رازداری نام یک متعرض، یک اشتباه بزرگ بود؛ همان اشتباهی که زمینه را برای ارتکاب عمل آنان آسان می‌کند.

بیانیه خانه تئاتر

«درباره موضوعی که این روزها محملی برای تازش به خانه تئاتر شده، یعنی جریان آزار جنسی یکی از اهالی تئاتر و سینما در سال ۱۳۹۴ به اطلاع می‌رساند:

«شورای دآوری» خانه تئاتر با عملکرد و واکنش به‌موقع و سریع خود در این مورد مسئولیت‌پذیر بوده است. هفت سال پیش، زمانی که این موضوع مطرح شد و تعدادی از خانم‌ها، نامه اعتراضی طولانی و با جزئیاتی را برای خانه تئاتر ارسال کردند، شورای دآوری وقت به بررسی آن پرداخت. به آن عزیزان یادآور شد که شورای دآوری ابزار کافی برای رسیدگی دربارہ موضوعاتی که در قانون جزا به عنوان جرم تلقی شده مثل افترا، تهمت، فروش مال غیر، تعرض، ضرب و شتم و… را ندارد. بنابراین تعیین حد چنین جرم‌هایی که به مسائل اخلاقی می‌پردازد، تنها در دادسراها بررسی و بعد از ابلاغ به شوراها صورت گرفته است. تعداد کسانی که یارانه کمک معیشتی نگرفتند افرادی که در دهک دهم پردرآمد هستند، هفت میلیون برآورد می‌شود. این در حالی است که عده‌ای که یارانه را دریافت نکرده‌اند و جزء دهک دهم هستند، اعتراض داشته و درخواست تجدیدنظر و بررسی مجدد دارند که این دسته از سرپرستان خانوار می‌توانند به سامانه معرفی‌شده از سوی وزارت رفاه مراجعه کرده و اعتراض خود را ثبت کنند. اما ذکر چند نکته ضروری است؛ اولاً اینکه در سامانه معرفی‌شده، دهک سرپرست خانوار مشخص نشده و فقط

زیر آسمان ایران

ملاک‌های نامعلوم در طبقه‌بندی دهک‌ها و واریز یارانه

و این اطلاعات به‌روز نیست. در شناسنامه اقتصادی-اجتماعی اطلاعاتی نظیر مشخصات اعضای خانوار، مجموع درآمد ثابت ماهانه، میانگین برداشت ماهانه خانوار در شش ماه ابتدایی سال ۱۴۰۰، شغل و پلاک خودروهای به نام اعضای خانوار و سفرهای خارجی (غیر زبارتی) ثبت شده است.

طبق اعلام وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، یارانه کمک‌معیشتی به افرادی که در دهک‌های یک تا ۹ درآمدی قرار دارند، واریز شده است؛ به گونه‌ای که برای سه دهک کم‌درآمد ۴۰۰ هزار تومان و برای شش دهک پردرآمد ۳۰۰ هزار تومان واریز شده و دهک دهم که افراد پردرآمد هستند، اصولا واریزی برایشان صورت نگرفته است. تعداد کسانی که یارانه کمک معیشتی نگرفتند افرادی که در دهک دهم پردرآمد هستند، هفت میلیون برآورد می‌شود. این در حالی است که عده‌ای که یارانه را دریافت نکرده‌اند و جزء دهک دهم هستند، اعتراض داشته و درخواست تجدیدنظر و بررسی مجدد دارند که این دسته از سرپرستان خانوار می‌توانند به سامانه معرفی‌شده از سوی وزارت رفاه مراجعه کرده و اعتراض خود را ثبت کنند. اما اگر کسانی که یارانه کمک معیشتی نگرفتند سامانه معرفی‌شده، دهک سرپرست خانوار مشخص نشده و فقط شناسنامه اقتصادی-اجتماعی خانوار در آن قرار دارد. تانیا ملاک مشخصی برای طبقه‌بندی دهک‌ها ارائه ندادند و سرپرستان خانوار نمی‌دانند که در چه دهکی قرار دارند. ثالثاً افرادی که در ماه‌های گذشته یارانه دریافت می‌کرده‌اند، در واریزی‌های جدید حذف و جزء دهک دهم قرار گرفته‌اند. رابعاً اطلاعات موجود در سامانه معرفی‌شده، مربوط به شش ماه ابتدایی سال ۱۴۰۰ است

که قابلیت ارزیابی آن دارد دود رسیدگی می‌شود. شورای دآوری، در بررسی این پرونده سعی کرد با رضایت طرفین شیوه‌ای کاربردی را در پیش بگیرد تا منجر به صدور رأی شود. احکام مقدر شورای دآوری شامل ممنوعیت کاری، محدودیت کاری، جلوگیری از پرداخت مالی و کمک‌هزینه‌ها و دستمزدها است. البته کمیته‌های اخلاقی انضباطی هم تشکیل می‌شود که محدوده اختیاراتشان با اختیارات قوه قضائیه که به بزه می‌پردازد قابل مقایسه نیست. شورا‌های دآوری خلا‌های قانونی را پوشش می‌دهند و به مسائل تخصصی می‌پردازند. در قانون جزا مواردی از این دست (تعریف جرم) پیش‌بینی شده و کاملاً می‌توان با نوشتن دادخواست اعلام جرم کرد. شورای دآوری همان زمان در نهایت نیز از خانم‌های معترض یادآوری کرد که مجازات سنسگین‌تر نیازمند پیگیری خاص و تشکیل پرونده قضائی است و رسیدگی در خانه تئاتر حقوق آنها را برای پیگیری در قوه قضائیه از بین نخواهد برد. به آنها راهنمایی شد که حکم سنسگین‌تری پیگیری خاص‌تری می‌طلبد و باید به دادسراها مراجعه و تشکیل پرونده دهند تا مسئله بتواند به صورت اعلام جرم تعریف شده و در قانون بررسی شود. بنابراین خلاف آنچه ادعا شده، شورای دآوری خانه تئاتر از اختیارات مقدر خود استفاده کرده و با حمایت از خانم‌هایی که شاکی بودند، رأی نهایی خود را مبنی بر:

۱- دو سال ممنوعیت کارگردانی در هر مکان

۲- دو سال ممنوعیت تدریس در هر مکان

۳- متوقف‌کردن اجرای جاری کارگردان در تماشخانه باران، صادر کرد و رأی برای اجرا به مرکز هنرهای نمایشی و شورای نظارت و ارزشیایی ارجاع گردید که با حکم مدیرکل هنرهای نمایشی اجرائی گردید.
لذا هیئت‌مدیره خانه تئاتر ضمن حمایت از رأی صادره و عملکرد شورای دآوری وقت، امیدوار است ارزش کار‌های انجام‌شده همکاران‌مان را پاس بداریم.

این خانه متعلق به همه است و البته هیچ‌کس معاف از مجازات در صورت تخلف نیست. هیئت‌مدیره مرکزی خانه تئاتر.»

اعتراض کمیته آزار

ترانه علیدوستی، به‌عنوان یکی از اعضای کمیته پیگیری آزار علیه زنان بازیگر، در اینستاگرام خود بیانیه این کمیته را منتشر کرده و به روند رسیدگی پرونده این ۱۴ زن در شورای دآوری اعتراض کرده است. از نکاتی که در این بیانیه با عنوان «وقتی از

یادگیری و تغییر ساختار

هرچند به نظر می‌رسد در این مسیر همگی (مخاطبان، سنسنگارگان، اعضای هیئت‌مدیره‌های نهاد‌های صنفی و حتی همین پنج نفر کمیته پیگیری) نیاز به یادگرفتن داریم؛ مثلاً تا پیش از درخواست «شبنم فرشادجو» در آنفالوکردن صفحات پنج مردی که نامشان به‌عنوان آزارگر مطرح شده بود، کمترکسی به این نکته توجه کرده بود. از سوی دیگر، همگان باور دارند حساسیت‌ها دربارۀ روغن و لبنیات، آبپاش خانوارهایی که در دهک علاوه بر تغییر ساختار، باید آموزش‌هایی نیز داده شود.



● **عکس: محمدمهدی ورال، ایرنا**

واکنش

جوابیه خانواده مجد به سریال خاتون

اشاره ناروا



در بخشی از سریال خاتون، اشاره به خانواده مجد می‌شود. میرزا محمدعلی فطن‌السلطنه (۱۲۷۵ قزوین - ۱۳۵۵ تهران) که نام خانوادگی مجد را برگزید، از سیاست‌مداران دوران پهلوی بود که در زمان اشغال ایران توسط روس‌ها استاندار گیلان (استان یکم) شد که استان‌های زنجان، قزوین و مرکزی کنونی را به اضافه شهرستان تکابن نیز دربر می‌گرفت. در بخشی از سوال خاتون، مردم در مواجهه با او درباره بی‌نانی و مشکلات معیشتی خود سخن می‌گویند اما او با بی‌اعتنایی از این موضوع عبور می‌کند. از نظر خانواده و اقوام این رفتار و این صحنه دروغ و قلب واقعیت است. فوزیه مجد - همسر ایشان - که از پژوهشگران موسیقی نواحی او بزرگان و افراد شناخته‌شده موسیقی ایران است، به همراه فرزندان و دیگر افراد خانواده جوابیه‌ای دراین‌باره ارسال کردند که در ادامه می‌آید. فرزندان مرحوم محمدعلی مجد در این جوابیه نوشته‌اند: «در تاریخی که می‌کنم، سخنی ترانم که آن به تعصبی و تریدی کشد و خوانندگان این تصنیف گویند: شرم باد این پیسر را. بلکه آن گویم، که تا خوانندگان با من اندر این موافقت کنند و طعنی نزنند.»

ابوالفضل بیهقی چندی پیش مجموعه‌ای به نام خاتون از شبکه‌های نمایش خانگی پخش شد که در قسمتی از آن به نقش مرحوم محمدعلی مجد، فرماندار کل گیلان در شهریور سال ۱۳۲۰ اشاره‌ای داشته است، که کاملاً نارواست. برای آگاهی از حقیقت ماجرا توصیه می‌شود به کتاب خاطرات محمدعلی مجد به نام «گذشت زمان» که در ۱۳۵۶ چاپ شده مراجعه کنید. نویسنده در فصل یازدهم کتاب با عنوان «اموریت گیلان و وقایع شهریور ۱۳۲۰ صفحات ۳۲۲ الی ۴۲۷ درباره اشغال گیلان توسط روس‌ها و مشکل آذوقه و برنج و به تمهیدات به کار گرفته شده برای رفع آن، به تفصیل پرداخته است. آنچه در مجموعه خاتون نشان داده شده، افسانه‌پردازی غیرمسئولانه‌ای است عاری از حقیقت و مصداق تحریف تاریخ است. باید افسوس خورد که کسانی که به تاریخ ایران می‌پردازند و یا آن را به تصویر می‌کشند، حقیقت را مد نظر نداشته باشند. مرحوم مجد، مردی وطن‌پرست و همواره آماده مرگ در راه وطن بود. هم‌چنان‌که نمونه‌هایی از این جان‌فشانی‌ها در کتاب مذکور ثبت شده است.»

چه خبر؟

خبرآنلاین: بهنوشت بختیاری درباره ترنس‌های سینمای ایران گفت: «بله ما ترنس داریم و طفلک‌ها در عذاب‌اند؛ چون اگر عنوان کنند که ترنس هستند، صدرصد ممنوع‌الفعالیت می‌شوند. ترنسی داشتیم که عمل تطبیق جنسیتش را هم انجام داد، ولی از وقتی که عملش را انجام داد دیگر به او کار ندادند. من همیشه حامی و مدافع ترنس‌ها بوده‌ام. ترنس تضاد روان و جنسیت است و نه اختلال و بیماری. یک حالت ژنتیکی است که شاید گاهی ژنتیکی هم نباشد و روحی باشد و خود آنها هم نمی‌دانند چرا این اتفاق افتاده است. وقتی یک نفر شش بار زیر تیغ جراحی می‌رود و به او شوک داده می‌شود ولی باز هم پای حرفش می‌ماند که من روان و جنسیتم با هم در تضاد است، پس او یک چیزی‌اش هست و ما باید بدانیم که حرفش جدی است و حتماً باید نزد مشاور برود.»

ایسنفا: تانیا جوهری با بیان اینکه آخرین کار سینمایی‌اش فیلم «شیش‌وینش» بود و تقریباً ۱۲ سال است که کار نکرده، می‌گوید به خیلی از مراسم‌ها دعوت می‌شود ولی جایی نمی‌رود و بیشتر در خانه است و می‌گوید: «دخترم می‌گوید آن‌قدر جایی نمی‌روی که مردم اصلاً یادشان رفته تو هم وجود داری». او در بخش دیگری از سخنانش می‌گوید: «گاهی به گذشته فکر می‌کنم و گاهی هم می‌نویسم. می‌خواستم سرنوشتم را بنویسم، تا جاهایی هم پیش رفتم ولی حس کردم این روزها در این دوران تکنولوژی کسی حوصله ندارد سرنوشت یک هنرپیشه را بخواند و به همین دلیل آن را کنار گذاشتم. نمی‌دانم شاید هم دوباره دست به قلم شدم و سعی‌ام را کردم که تمامش کنم.»